

تدوین الگوی جامع تربیت دینی کودک بر اساس اندیشه تربیتی ابن سینا

Nahidheidari20@yahoo.com

Beheshti@atu.ac.ir

Delavarali@yahoo.com

Eimanimo@modares.ac.ir

ناهید حیدری / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی

سعید بهشتی / استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی

علی دلاور / استاد گروه آمار و روش تحقیق، دانشگاه علامه طباطبایی

محسن ایمانی / استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت مدرس

دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

چکیده

هدف کلی تحقیق حاضر، تدوین الگوی تربیت دینی کودک (بعد عملی یا فروعاً) بر اساس اندیشه تربیتی ابن سیناست. از نظر ابن سینا، تربیت دینی تجلی حکمت، رحمت و نعمت عظیم خداوندی است. به بیانی دیگر، تربیت دینی پرورش بعد معنوی و ایجاد رابطه با خداوند است. «هدف» تربیت دینی آشنایی با اعمال عبادی است. هدف غایی آن از نظر ابن سینا، رسیدن به قرب حق اول، معرفی گردید. زمینه‌های تربیت دینی، ازدواج و محیط می‌باشند. اصول تربیت دینی نیز شامل آشنایی با اعمال عبادی و اصل اعتدال است. در زمینه روش‌ها، روش آماده‌سازی، الگوپذیری و آشنایی با اماکن مذهبی قابل بحث است. محتوای تربیت دینی را ابن سینا مشتمل بر محتوای عبادی و آشنایی با نماز و دعا کردن می‌داند. بر اساس بیانات بوعلی، عوامل تربیت دینی شامل خانواده، مدرسه و دوستان است و موانع عبارت‌اند از شرک در عبادت و صفات رذیله. در نهایت نیز الگوی جامع تربیت دینی تدوین می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، کودک، ابن سینا.

مقدمه و بیان مسئله

تربیت دینی از نظر بهشتی دو معنای عام و خاص دارد؛ معنای خاص آن ناظر به سه جنبه اعتقادی، اخلاقی و عملی است و معنای عام آن دیگر ساحت‌های تربیت، شامل عقلانی، زیباشناختی، سیاسی، حرفه‌ای، بدنی و مانند آن را دربر می‌گیرد. آداب و شئون عبادی نیز در قسمت عملی می‌گنجد (بهشتی، ۱۳۸۹، ص ۳۸). یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت دینی، تربیت دینی در بعد عملی است. این نوع از تربیت، شامل پرورش بعد معنوی و ایجاد رابطه با خداوند است. به عبارتی دیگر، در بعد عملی تربیت دینی، کودک را با اعمال و احکام شرعی آشنا کرده، او را با انگیزه راسخ، مکلف به انجام آن امور می‌کنند.

در روایات مختلف می‌خوانیم که باید کودکان را در خردسالی به انجام اعمال عبادی عادت داد تا در زمان بلوغ، انجام تکالیف شرعی برایشان دشوار نباشد. از نظر/ابن‌سینا، فایده انجام عبادات، علاوه بر بقا و دوام شریعت، بهره‌مندی عبادت‌کنندگان از کمالات اخروی در سایه تزکیه و پاک‌سازی خودشان است (ابن‌سینا، ۱۳۶۳، ص ۴۴۳). از خصوصیات مهم کودکان، عادت‌پذیری آنهاست. در این سنین می‌توان صورت کامل بعضی از اعمال واجب دینی مثل نماز و احکام آن را به کودک آموزش داد. بعد از اتمام آموزش، باید کودکان را وادار به انجام اعمال عبادی نمود. البته باید توان و بنیه جسمی کودکان را در نظر داشت و رویه‌ای معتدل در پیش گرفت. تربیت دینی، اهرمی درونی است، که اگر به‌شيوه‌ای صحیح و علمی در دوره کودکی بنیان‌ش گذاشته شود، می‌تواند حیات فردی و اجتماعی کودک را در سنین بزرگسالی تحت تأثیر قرار دهد و موجبات تعالی روح وی را فراهم کند؛ زیرا قدرت تغییرپذیری انسان، یا به بیانی دیگر، تربیت‌پذیری وی در دوره کودکی، بیش از دوره‌های دیگر عمر است. بنابراین می‌توان گفت که تربیت دینی عاملی کنترل‌کننده و بازدارنده و به بیانی دیگر، تقویت‌کننده وجدان اخلاقی است.

پژوهشگران و فلاسفه تعلیم و تربیت تحقیقات زیادی درباره تربیت دینی کودک انجام داده‌اند. یکی از این فلاسفه، ابن‌سیناست. وی آشکارا سعادت را - که همان قرب به حق اول است - برترین هدف فعالیت‌های انسان، و هدایت دیگران به سوی سعادت را برترین هدایت و علوم و معارف راهنمایی‌کننده انسان به سوی سعادت را برترین علوم و معارف می‌داند. این تحقیق سعی دارد به بررسی تربیت دینی در بعد عملی از منظر وی بپردازد.

۱. پیشینه پژوهش

حیدری و بهشتی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «فراشناختی به تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن‌سینا»، تربیت اخلاقی را از نظر/ابن‌سینا، آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و تلاش برای پرورش گرایش به فضایل اخلاقی و دوری از ردائیل اخلاقی دانسته‌اند. از طرفی تربیت اخلاقی فرد، تضمین‌کننده کمال و سعادت وی در دنیا و آخرت خواهد بود. به بیانی دیگر، تربیت اخلاقی یعنی آراسته شدن فرد به فضایل اخلاقی و عادات نیکو؛ که به سبب آن، فرق بین خیر و شر و رشد و گمراهی برای انسان میسر می‌گردد. «اهداف» تربیت اخلاقی، بر اساس اندیشه تربیتی/ابن‌سینا، شامل دو بخش هدف غایی و اهداف واسطه‌ای است. اصول تربیت اخلاقی نیز از نظر/ابن‌سینا شامل: تأدیب،

ترغیب و ترهیب، الگوپردازی، پرهیز از افراط و تفریط، و شناسایی روحیات کودکان است. آنچه از بیانات بوعلی برمی آید، این است که در تربیت اخلاقی کودک باید جانب اعتدال را نگه داشت.

نصرتی و همکاران (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «اهداف تربیت از نگاه ابن سینا»، بیان کرده‌اند که اگر تعلیم و تربیت را ضرورت و تحول انسان از وضع موجود به وضع مطلوب تعریف کنیم، بدون شک این تحول نیازمند آگاهی از هدف حرکت یا مجموعه اهدافی است که جهت و مسیر حرکت و سرانجام آن را مشخص می‌سازد. *ابن سینا* در ضمن مسائل نفس‌شناسی به موضوع تعلیم و تربیت انسان پرداخته است و برای حرکت تکاملی انسان، هدف اصلی و کلی - که همان سعادت حقیقی انسان است - قرار می‌دهد. این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. نظام‌های تربیتی مختلف به تناسب بافت فرهنگی و تاریخی خود سعی می‌کنند تا با اتکا به آرای اندیشمندان جامعه خویش، خطمشی‌های تربیتی مطلوب را تعیین کنند و پژوهش و مطالعه در آرای *ابن سینا*، به‌عنوان یکی از متفکران علوم تربیتی، از اهمیت بالایی برخوردار است.

نوروزی و همکاران (۱۳۹۲) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «درآمدی بر آرای ابن سینا و جاحظ در باب اصول تربیتی»، که به روش کیفی و با رویکرد تحلیلی - استنباطی انجام داده‌اند، به این نتیجه دست یافته‌اند که اصول تربیتی استنباط‌شده از اندیشه‌های *ابن سینا* و *جاحظ*، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؛ از جمله این شباهت‌ها، می‌توان به مواردی همچون اصل توجه به تفاوت‌های فردی، توصیه به عقل‌گرایی، تغییرپذیری صفات، اعتدال در یادگیری، یادگیری مشارکتی، ایجاد شرایط مناسب برای یادگیری، تنظیم برنامه با توجه به مراحل رشد انسان و توجه به علاقه فراگیران در کسب علوم اشاره کرد. همچنین تفاوت‌ها به این قرار است که *ابن سینا* به اصل خودشناسی و خودسازی، تربیت شغلی، توجه به صلاحیت و تخصص معلم و اصل توجه به امکانات در فرایند عمل تربیتی توجه اساسی داشته؛ اما *جاحظ* به آن توجه نکرده و از آن غافل مانده است.

سمیه *دانا* رضانی (۱۳۹۱) هم در پایان‌نامه خود تحت عنوان «بررسی تطبیقی آموزه‌های تربیتی دانشمندان مسلمان؛ ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و ابن‌خلدون»، با روش بردی و کندل و با رویکرد تطبیقی، به نتایج ذیل دست یافته است: ۱. هر سه دانشمند هدف غایی تعلیم و تربیت را قرب الهی و رسیدن به سعادت می‌دانند؛ ۲. هر سه دانشمند قرآن و احادیث را در برنامه تعلیم و تربیت خود قرار داده‌اند؛ ۳. *ابن سینا* و خواجه نصیر علوم را به دو دسته عملی و نظری تقسیم می‌کنند و اخلاق، سیاست مدن و تدبیر منزل را در رسته علوم عملی به‌شمار می‌آورند؛ ولی *ابن‌خلدون* علوم را به دو دسته علوم اصلی و مقصود بالذات، مثل علوم مربوط به شرع و علوم فلسفی، و علوم آلی یا ابزاری، مثل ادبیات عرب و ریاضی تقسیم می‌کند؛ ۴. در مورد روش‌ها نیز هر سه دانشمند روش‌هایی مثل تمرین و تکرار، تقلید، تشویق و تنبیه و... را در امر تربیت لازم می‌دانستند (*دانا* رضانی، ۱۳۹۱).

خلیلی و همکاران (۱۳۹۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تعلیم و تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن‌سینا»، که در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ابن‌سینا چاپ شده است، با روش کیفی و تحلیل محتوا بیان کرده‌اند که

ابن‌سینا مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف تعلیم و تربیت اخلاقی - دینی را رسیدن فرد و جامعه به سعادت و کمال می‌داند. کسب اعتدال و میانه‌روی و کسب فضایل اخلاقی نیز از مهم‌ترین اهداف تربیت اخلاقی این فیلسوف بزرگ است. در این پژوهش به اهمیت اخلاق و تربیت اخلاقی از نظر بوعلی پرداخته شده و روش‌های تربیت اخلاقی، مراحل تعلیم و تربیت، متون و مواد آموزشی، ویژگی‌های یک معلم خوب و شیوه‌های تعلیم و تربیت و... از منظر ایشان بیان شده است.

با بررسی تحقیقات یادشده، مشخص گردید که تاکنون مطالعه و پژوهش مدون و مستقلی پیرامون تربیت دینی کودک بر اساس اندیشه تربیتی ابن‌سینا انجام نگرفته است. بعضی از این پژوهش‌ها معطوف به فرایند تعلیم و تربیت از نگاه ابن‌سینا بوده‌اند و تربیت دینی را ذیل فرایند تعلیم و تربیت به صورت ضمنی بررسی کرده‌اند؛ بعضی نیز تنها به بعد اخلاقی تربیت دینی معطوف بوده‌اند. در نهایت باید اذعان داشت، حدود و ثغور تربیت دینی و ابعاد آن در پژوهش‌های یادشده مشخص نگردیده است؛ از این رو پژوهش حاضر سعی دارد به بیان مفهوم تربیت دینی در بعد عملی و فروع و مؤلفه‌های آن بپردازد.

۲. روش‌شناسی

این پژوهش، کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی (تحلیل محتوای کیفی) و استنباط قیاس نظری است. تحلیل محتوا عبارت است از: شناخت و برجسته کردن محورهای اصلی یک متن یا متون مکتوب، با هدف فراهم آوردن تحلیل توصیفی (ساروخانی، ۱۳۷۸، ص ۸۲). همچنین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی، از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست. بنابراین، روش تحلیل محتوای کیفی، روشی برای جست‌وجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازشناسی روابط و شبکه‌های مفهومی است. از دیگر ویژگی‌های بنیادین پژوهش‌های کیفی، نظریه‌پردازی به جای آزمون نظریه است (ایمان، ۱۳۹۲، ص ۱۷۲).

از آنجاکه محقق در این پژوهش با منابع مکتوب ابن‌سینا و دسته‌بندی مضامین و جملات مرتبط با تربیت اخلاقی سروکار دارد، روش پژوهش از نوع تحلیل محتوای کیفی است. از طرف دیگر، چون هدف محقق از تبیین مفهوم تربیت اخلاقی از منظر اهداف و اصول، استنباط کارکردهایی برای تربیت اخلاقی - اسلامی است، از روش قیاس نظری نیز استفاده می‌کند.

۳. یافته‌ها

۳-۱. مفهوم تربیت دینی

از نظر ابن‌سینا تربیت دینی عبارت است از مجموعه دگرگونی‌هایی در فکر و عقیده فرد، به‌منظور ایجاد نوعی خاص از عمل و رفتار که متکی بر ضوابط مذهب باشد. در سایه این دگرگونی‌ها، اخلاق، عادات، آداب و رفتار و روابط

فردی و اجتماعی شخص، صورت مذهبی و دینی به خود می‌گیرد. از نظر ابن‌سینا تربیت باید عقل را به گونه‌ای پرورش دهد که نظام جهان و عقل کلی‌ای را که آن را طراحی کرده است، بفهمد. پس چنین تربیتی نمی‌تواند به قصد سود مادی باشد؛ بلکه برای منفعت روحی و لذت عقلی است؛ و در راستای چنین تربیتی، هم خود فرد بهره‌ور می‌شود و هم جامعه؛ زیرا از وجود چنین فردی برخوردار است (ابن‌سینا، بی‌تا، ص ۱۲۰).

در نگاه ابن‌سینا، تربیت دینی در بعد عملی، تجلی حکمت، رحمت و نعمت عظیم خداوندی است: حکمت، از آن جهت که نظام زندگی بشر را استوار می‌سازد؛ رحمت، از آن روی که خداوند به دینداران پاداش جزیل اخروی عطا می‌کند؛ و نعمت از آن جهت که انسان مقید به اوامر شرع، به معرفت عالی از جهان آفرین نائل می‌گردد؛ و آن سرور حقیقی و والاترین ابتهاج برای عارفان است (ابن‌سینا، ۱۳۱۵، ص ۴۰۲).

۳-۲. مراحل تربیت دینی

۳-۲-۱. مرحله اول کودکی، تربیت در منزل (تولد تا شش سالگی)

این مرحله، مرحله آشنایی کودک با اعمال و آداب دینی است. از نظر ابن‌سینا، از آنجاکه شناخت خداوند از معرفت‌های لازم و مهم به‌شمار می‌آید، برای تحکیم شناخت خداوند (اصل توحید)، عبادات و اذکار و مناسک دینی مقرر گردیده است. از نظر ابن‌سینا، فایده انجام عبادات، علاوه بر بقا و دوام شریعت، بهره‌مندی عبادت‌کنندگان از کمالات اخروی در سایه تزکیه و پاک‌سازی خودشان است (ابن‌سینا، ۱۳۷۷-الف، ص ۷۸). در این مرحله از تربیت دینی، آشنایی کودک با اعمال دینی و تکالیف شرعی مدنظر است. برای رسیدن به این منظور، والدین باید در حضور کودک این اعمال عبادی را انجام دهند تا زمینه انس کودک با آن اعمال را ایجاد کنند. زمانی که کودک به سن چهارسالگی رسید، می‌تواند از راه مشاهده و تقلید از والدین، اعمال عبادی را بیاموزد (داودی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۵).

۳-۲-۲. مرحله دوم کودکی، تربیت در مکتب (شش سالگی تا سیزده سالگی)

ابن‌سینا بیان می‌دارد: در شریعت تکرار کارهایی بر انسان واجب و لازم گردیده است تا با انجام آنها در فاصله زمانی معین، یاد خدا و معاد در اذهان بیدار نگه داشته شود. همچنین وی معتقد است که باید بعضی از عبادات به صورت گروهی و جماعت، مشروط به حضور پیشوای مدینه باشد؛ مانند اعیاد، تا موجب نشاط، تحرک، نقش‌آفرینی مردم و نزول برکات گردد (ابن‌سینا، ۱۳۷۷-ب، ص ۳۲۶). انجام عبادات در سنین کودکی و قبل از بلوغ، سودمند است؛ زیرا باعث پاک‌سازی نفوس آنها می‌شود و سعادت اخروی نیز با پاک‌سازی نفس حاصل می‌شود. از خصوصیات مهم کودکان در این مرحله، عادت‌پذیری آنهاست. در این سنین می‌توان صورت کامل بعضی از اعمال واجب دینی مثل نماز و احکام آن را به کودک آموزش داد. بعد از اتمام آموزش، باید کودکان را وادار به انجام اعمال عبادی نمود. البته باید توان و بنیه جسمی کودکان را در نظر داشت و رویه‌ای معتدل در پیش گرفت (ابن‌سینا، بی‌تا، ص ۱۱۶). به عقیده شیخ‌الرئیس، سعادت حقیقی عبارت از امری است که ذاتاً مطلوب است و به دلیل خودش گزینش می‌شود؛ و مسلم

است که آنچه مطلوب بالذات است و امور دیگر هم به سبب آن مطلوب واقع می‌شوند، برتر از امری است که به دلیل چیزهای دیگر طلب می‌شود. سعادت، هدف غایی است که انسان به دنبال کسب آن است؛ و هدایت به راه سعادت نیز بالاترین هدایت‌هاست؛ چرا که شرافت هدایت‌ها به غایاتی است که به آن رهنمون می‌گردند. سعادت بزرگ در نزدیکی به حق اول است، که مطلوب‌های دیگر در برابر آن ناچیزند و حکمای الهی میل و رغبتشان برای نیل به این سعادت، بیش از رسیدن به سعادت جسم است (اعرافی، ۱۳۹۴، ص ۷۹-۸۰). از خصوصیات مهم کودکان در این مرحله، عادت‌پذیری آنهاست. در این سن می‌توان صورت کامل بعضی از اعمال واجب دینی مثل نماز و احکام آن را به کودک آموزش داد. بعد از اتمام آموزش، باید کودکان را وادار به انجام اعمال عبادی نمود. البته باید توان و بنیة جسمی کودکان را در نظر داشت و رویه‌ای معتدل در پیش گرفت.

۳-۳. اهداف تربیت دینی

ابن‌سینا آشکارا سعادت را - که همان قرب به حق اول است - برترین هدف فعالیت‌های انسان، و هدایت دیگران به سوی سعادت را برترین هدایت، و علوم و معارف راهنمایی‌کننده انسان به سوی سعادت را برترین علوم و معارف می‌داند (ابن‌سینا، ۱۳۶۷، ص ۲۶۱). در باب هدف تربیت دینی (بعد عملی)، *ابن‌سینا* بیان می‌دارد:

شارع مقدس (خداوند) می‌دانست، همه در مدارج عقل بالا نمی‌روند؛ به همین خاطر عبادات را وضع کرد تا آدمیان به بهایم شبیه نگردند. انسان بدون پرورش قوای عالی خود، فرقی با حیوانات ندارد و عبادات شرعی اولین مرحله است، که طی آن روح به بیداری می‌رسد و عقل و اندیشه آدمی به کمال می‌رسد. او نیز مانند افلاطون و ارسطو به نظم جهان اعتقاد داشت؛ بنابراین تربیت دینی را رشد عقل، و به منظور درک واقعی و عمیق این نظم می‌دانست. در این راه، اهداف مادی ارزش تلقی نمی‌شوند؛ منافع روحانی تربیت برای اشخاص و پس از آن برای جامعه، همواره مدنظر او بوده است (ابن‌سینا، ۱۳۷۷ - الف، ص ۲۸۲).

اهداف واسطه‌ای تربیت دینی عبارت‌اند از:

۳-۳-۱. آشنایی با اعمال عبادی

یکی از بارزترین مصادیق تربیت دینی در بعد عملی و بلکه مهم‌ترین نمود آن در حوزه احکام و عبادات، نماز است. نماز بزرگ‌ترین فریضة الهی و پیش‌درآمد قبولی سایر اعمال و عبادات است. *ابن‌سینا* در این باره می‌گوید: در کودکی به فرزندان نماز را تعلیم دهید و هنگام بلوغ، آنان را به نماز وادارید. *ابن‌سینا* برای آموزش فریضة نماز پیش از بلوغ، تنبیه مختصر فرزند به دلیل ترک آن را روا دانسته است. «کودکان اهل خانه‌ات را با زبان به نماز و طهارت تأدیب نما. وقتی به سن ده‌سالگی رسیدند، آنان را بر ترک آن، تنبیه بدنی نما؛ ولی از سه بار بیشتر تجاوز نکند» (ابن‌سینا، ۱۳۶۰، ص ۲۵۰). از جهتی دیگر، *ابن‌سینا* عبادت را بر دو قسم می‌داند: عبادت عارف و عبادت غیرعارف. عبادت غیرعارف معامله کردن با خداست؛ یعنی عمل در دنیا در مقابل اجر و ثواب در آخرت؛ اما عبادت عارف چیزی است که همت و قوای نفسانی وی را از تمایل داشتن به عالم جسمانی و

مشغول بودن با آن بازمی‌دارد، و او را به توجه به عالم عقلی می‌کشاند. از این روست که خداوند به عارفان - که دارای نفوس پاک‌اند - قوه‌ای عطا می‌کند که هنگام دعا کردن می‌توانند بر مواد تأثیر بگذارند و مواد با اراده آنها تغییر می‌کنند. این معنای اجابت دعاست (ابن سینا، ۱۳۹۱، ص ۱۶۵). بر این اساس از نظر ابن‌سینا، هنگامی که نفس به‌طور متناوب به ذات خود رجوع کند، از حالات بدنی منفعل نمی‌شود و کم‌کم ملکه تسلط بر بدن را به‌دست می‌آورد و آفات بدنی بر وی تأثیری نخواهند داشت. بدین‌گونه ملکه توجه به حق و اعراض از باطل در او حاصل می‌شود و استعدادهای شدید برای رسیدن به سعادت حقیقی بعد از مفارقت از بدن را می‌یابد. افزون بر این، اگر آدمی بداند که پیامبر ﷺ از طرف خداست و شریعت او از خدا بر انسان‌ها واجب شده است و همان اعمال عقلی را با نیت امتثال امر خداوند انجام دهد، عبادت خواهد بود. چنین انسانی شایستگی دارد که اسباب معیشت و مصالح میان آدمیان را تدبیر کند؛ زیرا انسانی است که به‌واسطه عبادت و تاله، از دیگران ممتاز است (شجاری، ۱۳۹۰، ص ۴۱). حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: نماز را به فرزندانان بیاموزید. ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «در خانه خویش اذان بگوی تا شیطان از آنجا بگریزد و کودکان نیز به آن ذکر آشنا شوند» (عزیزی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۱۰).

۲-۳-۳. آموزش قرآن

قرآن کتاب آسمانی و مهم‌ترین منبع اسلامی و سرچشمه معارف الهی است که در تربیت دینی جایگاهی بس عظیم دارد. ابن‌سینا در این‌باره معتقد است که باید به کودکان قرآن را آموزش داد و معارف و احکام آن را برای آنها بیان نمود تا قرائت قرآن را یاد بگیرند و در عمل کردن به آن پایبند باشند (ابن‌سینا، ۱۳۶۰، ص ۲۵۳). وی در این‌باره معتقد است که کودکان در خردسالی باید با قرآن آشنا شوند تا بدانند که آنچه والدین یا مربی تحت عنوان تکلیف شرعی وی را به انجام آن ترغیب می‌کنند، خواست خداوند سبحان است.

ابن‌سینا در این‌باره اشاره می‌کند که به کودکان قرآن را بیاموزید و آنها را تبشیر و انذار کنید و با ثواب و عقاب اخروی که خداوند برای انجام و ترک اعمال عبادی قرار داده است، آشنا نمایید (همان، ص ۲۱۴).

۴-۳. زمینه‌های تربیت دینی

۱-۴-۳. انتخاب همسر مناسب

ابن‌سینا در زمینه تأثیر وراثت یا «عرق» می‌گوید: اگر والدین خود را نسبت به احکام و اعمالی که شارع مقدس (خداوند) واجب یا حرام اعلام نموده است، مکلف بدانند، احتمال بیشتری وجود دارد که فرزندان آنها نیز به وظایف شرع اسلام پایبند باشند. یکی از زمینه‌های عملی در تربیت کودک، گزینش زن نیکو برای ازدواج است. ابن‌سینا در این‌باره می‌گوید: «زن شایسته و نیکو شریک مرد است، در املاکش؛ و قیّم اوست، در مالش؛ و جانشین وی است، در خانه‌اش؛ و امین وی است، در پرورش و تربیت فرزندان» (ابن‌سینا، ۱۳۱۹، ص ۵۸).

توجه زوجین به خداوند و معاد و به فکر هم بودن و در سر داشتن افکار مثبت و اندیشه‌های پاک، از زمینه‌های تربیتی آیین حیات‌بخش اسلام است، که این شیوه‌ها را در هنگام مباشرت و انعقاد نطفه به زوجین پیشنهاد می‌کند تا زمینه‌های نیکو و پاک برای انعقاد نطفه فراهم آید. طبق این توصیه، آنان نباید در آن لحظه حساس و سرنوشت‌ساز افکار و اندیشه ناپاک و ناصواب در ذهن‌های خود داشته باشند؛ برعکس باید افکار عالی و اندیشه‌های صحیح و پاک و اهداف الهی و متعالی را مد نظر خویش قرار دهند. بدیهی است، نسلی که بر این اساس ایجاد می‌شود، با این اندیشه‌ها هماهنگ می‌شود و در راه صحیح و مسیر الهی قدم خواهد گذاشت (آریا، ۱۳۹۴، ص ۳۹-۴۰).

ابن‌سینا برای انتخاب گزینش صحیح همسر، چند ویژگی را در کتاب *تدبیر المنزل* برمی‌شمارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم. بهترین زن‌ها زنی است که دارای چنین صفاتی باشد: ۱. خردمند باشد؛ ۲. دیندار باشد؛ ۳. باشرم باشد؛ ۴. دوست‌دار و با محبت باشد؛ ۵. پاکدل و بی‌غش باشد ... (ابن‌سینا، ۱۳۱۹، ص ۱۰۱).

با توجه به مطالب مذکور، این نتیجه گرفته می‌شود که *ابن‌سینا* یکی از زمینه‌های مهم در تربیت دینی و در واقع اولین گام در این زمینه را انتخاب همسری شایسته و دیندار و همچنین ایجاد نطفه‌ای پاک می‌داند که همگی در تربیت دینی کودک تأثیر گذارند.

۲-۴-۳. محیط

بی‌گمان وضع محیط اجتماعی زندگی انسان اثر فوق‌العاده‌ای در روحیات و اعمال او دارد؛ چراکه انسان بسیاری از صفات خود را از محیط کسب می‌کند. محیط‌های پاک غالباً افراد پاک پرورش می‌دهند. البته انسان می‌تواند در محیط ناپاک، پاک زندگی کند و به‌عکس در محیط‌های پاک، سیر ناپاکی را طی کند. به تعبیر دیگر، شرایط محیط، علت تامه در خوبی و بدی افراد نیست.

تأثیر محیط را به‌عنوان یک عامل زمینه‌ساز نمی‌توان انکار کرد. محیط مساعد و پاک، موجب رشد و شکوفایی زمینه‌های اولیه و وراثتی در خصوص عمل به اعمال و تکالیف شرع اسلام می‌شود و می‌تواند رفتار و اعمال فرد را هدایت کند و الگوهای مناسبی برای شخصیت وی فراهم سازد.

در یک محیط آلوده، پرورش انسان‌های پاک و مقید به شرع، مشکل است؛ هرچند تعلیمات قوی و مؤثر باشد. به همین دلیل، برای تهذیب نفوس و تحکیم عمل به تکالیف شرع، باید به اصلاح محیط بسیار اهمیت داد (ابن‌سینا، ۱۳۱۵، ص ۱۲۰). موضوع دیگری که *ابن‌سینا* در باب تأثیر محیط به آن اشاره می‌کند، توجه والدین به مسئله معاشرت و دوستی فرزندان است. غالباً دوستان و معاشران ناباب و آلوده سبب آلودگی افراد پاک شده‌اند، که البته عکس آن نیز صادق است (نقدی، ۱۳۸۱، ص ۵۹). خانواده باید در دل خانواده‌ای بزرگ‌تر به‌نام جامعه به حیات خود ادامه دهد تا بتواند نیازهای سایر افراد را در آن تأمین نماید. «در نظام سیاست‌الاخیار، اهل مدینه در جست‌وجوی به‌دست آوردن خوشبختی این‌جهانی و آن‌جهانی، کوشش و با هم مشارکت می‌کنند» (ابن‌سینا،

۱۳۱۵، ص ۱۲۹). از دیدگاه/ابن‌سینا، دین سعادت همه‌جانبه انسان را و جهت همت خویش قرار داده و برای رساندن بشر به سعادت و رستگاری و بارور شدن همه استعدادها و ظرفیت‌های وجودی او، احکام و قوانین لازم را تشریع کرده و فرا راه بشر نهاده است. پرداختن به اعمال عبادی و امور اخروی جزو مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف دین از دید/ابن‌سینا است؛ با این حال به باور او، رسیدن به این هدف و تحقق آن در جامعه انسانی، هرگز بدون توجه به مسائل دنیوی و حل مشکلات مادی و جسمی میسر نیست.

۳-۵. اصول تربیت دینی

۳-۵-۱. اصل آشنایی و زمینه‌سازی برای انجام اعمال عبادی

این اصل افزون بر تأکید بر عبادات، باعث آمادگی پذیرش و انجام تکالیف شرعی و همچنین جلوگیری از کم‌توجهی کودکان به مسائل عبادی نیز می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۶۵). بوعلی معتقد است: ضروری است پیش از آنکه احکام و اعمال عبادی در حق کودکان به مرحله وجود برسد، زمینه رویارویی صحیح با احکام و اعمال عبادی را در آنان ایجاد کرد؛ زیرا این اقدام در رشد و کمال معنوی انسان تأثیر مستقیم دارد. هدف از تربیت عبادی در دوره کودکی، پرورش و تقویت روحیه عبادی و ایجاد آمادگی برای «تکلیف‌پذیری» و تشویق کودکان به انجام تکالیف عبادی است (ابن‌سینا، ۱۳۱۹، ص ۱۳۱). برای تحقق این هدف، می‌توان بر اساس برنامه‌ای منظم، بدان جامعه عمل پوشاند. از طرفی نباید انجام اعمال واجب عبادی را تا زمان بلوغ به تأخیر انداخت؛ بلکه باید زمینه آن را از همان اوان خردسالی ایجاد نمود. ابن‌سینا تأکید می‌کند که هر یک از بچه‌ها را باید مورد توجه ویژه قرار داد و به فراخور طبع خاصش بار آورد (ابن‌سینا، بی‌تا، ص ۱۴۸). والدین و مربیان نباید در آموختن اعمال عبادی، قوانین خشک و خشن به کار گیرند و بیش از اندازه سخت‌گیری کنند که نه تنها خیری در آن نیست، بلکه متربی را گریزپا نیز می‌کند (همان، ص ۱۵۰).

ابن‌سینا درباره آشنایی کودکان با اعمال عبادی معتقد است: کسانی که با تدبیر و حکمت، در راه انجام اعمال عبادی گام برمی‌دارند، خواه‌ناخواه با تبعیت بدن از روح، مشابهت بین روح و بدن در ایشان ظاهر می‌شود؛ چنان‌که گویا تن به سوی روان پرواز می‌کند؛ در نتیجه قوای طبیعی ایشان تحت سرپرستی نظام عقلانی درمی‌آید. به بیان ابن‌سینا این تشابه عالم مادی با عالم روحی، وی را از عالم ملک به عالم ملکوت می‌رساند؛ بلکه اشرف از همه موجودات عالم خواهد شد (ابن‌سینا، ۱۳۹۱، ص ۱۵۴).

۳-۵-۲. اعتدال در انجام اعمال عبادی

از نظر بوعلی، انحراف از اعتدال در هر چیز، از جمله در عبادات و اعمال شرعی، انحراف از حق و گمراهی است. تربیت دینی اساساً تربیتی بر پایه اعتدال است. وی معتقد است، برای اینکه کودکان و نوجوانان به انجام اعمال عبادی رهنمون شوند، باید آموزش این امور ابتدا از آسان شروع شود و از هرگونه افراط و تفریط در این زمینه پرهیز

گردد، تا به تدریج این اعمال به صورت عاداتی راسخ نمایان شوند (ابن‌سینا، ۱۴۰۰، ص ۱۳۴). ابن‌سینا در آموزه‌های خود، دین و خرد را درهم می‌آمیزد و به والدین و مربیان توصیه می‌کند که نخست کودکان را در قید ناموس (الهی دین) درآورند؛ زیرا دین می‌تواند انسان را به صراط مستقیم - که همان ملکه اعتدال است - رهنمون شود (همان، ص ۱۵۱). اعتدال در این موارد برای رستگاری انسان و رساندن او به سعادت، امری اجتناب‌ناپذیر است. وی معتقد است برای اینکه بتوان اعتدال را در تربیت دینی جاری ساخت، باید پیوسته روح بیم و امید را در مرتبه بیدار نگاه داشت؛ زیرا امید بیش از اندازه فرد را گستاخ، و بیم بیش از حد نیز فرد را در ارتباط معنوی با خداوند متوقف می‌کند (ابن‌سینا، ۱۳۴۷، ص ۹۸).

۳-۶. روش‌های تربیت دینی

۳-۶-۱. مشاهده و الگوبری از والدین در انجام اعمال عبادی

با توجه به اینکه خداوند فطرتی پاک را در وجود انسان قرار داده است، کودک گرایشی عاطفی به یادگیری و انجام اعمال عبادی دارد. بسیاری از آداب و اعمال عبادی را کودک از طریق مشاهده و تقلید فرامی‌گیرد (ابن‌سینا، ۱۴۰۰، ص ۱۳۵). در این زمینه، والدین بهترین الگوی عملی برای تقلیدپذیری کودک‌اند. با توجه به این ویژگی، باید شرایط و موقعیت‌های لازم را برای الگوبری کودک از اعمال عبادی والدین فراهم نمود؛ زیرا در نتیجه این اقدام، کم‌کم زمینه انس بیشتر و گرایش به یادگیری اعمال و تکالیف عبادی، مثل نماز، در وجود کودک تقویت می‌شود (داودی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۵).

۳-۶-۲. آشنا نمودن کودک با اماکن و امور مذهبی قبل از رسیدن به سن تکلیف

حضور کودکان در اماکن مذهبی (مساجد) و آشنایی با امور مذهبی، مثل نماز جماعت و دعا کردن، آنان را به اقامه نماز و حضور در مسجد ترغیب می‌کند. از این طریق، روح عبادت در جانشان نفوذ پیدا می‌کند و آنان به نگرش‌های دینی والاتری دست می‌یابند. این امر زمینه گرایش به اعمال عبادی را در کودکان به صورت آگاهانه به وجود می‌آورد (ابن‌سینا، ۱۴۰۰، ص ۱۴۹).

۳-۷. محتوای تربیت دینی

۳-۷-۱. محتوای عبادی

ابن‌سینا در آثار خود به مسئله آموزش و تعلیم ماهیت عبادات اسلامی مانند نماز، روزه و حج اشاره می‌کند و انجام این عبادات را مایه سعادت و خوشبختی انسان‌ها می‌داند (زیبا کلام مفرد، ۱۳۸۰، ص ۴۲). برای مثال، ایشان در مسئله تعلیم نماز در رساله «ماهیت الصلاة»، نماز را در دو بعد ظاهر و باطن بررسی می‌کند. یکی از بارزترین مصادیق تربیت دینی و بلکه مهم‌ترین نمود آن در حوزه احکام و عبادات، نماز است. ابن‌سینا در بررسی ماهیت نماز، به ساختار آفرینش هستی و جایگاه انسان در بین مخلوقات می‌پردازد و سپس وجود قوه

عاقله را در انسان نعمتی الهی می‌شمرد و آن را علت مخاطب قرار گرفتن انسان از سوی خداوند معرفی می‌کند. *ابن سینا* با استناد به حدیث «عباد الدین» و آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، به استدلال و برهان فلسفی - عرفانی اسرار این فریضه الهی می‌پردازد. وی نماز را به دو بخش ظاهر و باطن تقسیم می‌کند: ظاهر نماز، ارکان و افعال مخصوص اقامه نماز و مراد از باطن نماز، حقیقت و روحانیت نماز است که مربوط به نفس ناطقه انسانی است (*ابن سینا*، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳). حقیقت نماز از دید *ابن سینا* عبارت است از: ۱. معرفت بخشی: *ابن سینا* در این باره معتقد است که نماز روح در طبیعت مانده انسان را از گور جسم و جسمانیت خارج می‌کند و او در طلب عبودیت و اخلاق، از معبود ذوالجلال والاکرام، کمال خالص را که حقیقت دین است، درخواست می‌کند؛ ۲. پی بردن به صفات خدا و احاطه او به همه هستی: *ابن سینا* معتقد است، نمازی که با نیت خاص گزارده شود، نمازگزار را در فهم اینکه تعدد در صفات خدا راه ندارد، یاری می‌رساند؛ ۳. پی بردن به اسرار آداب نمادین نماز: *ابن سینا* معتقد است، شارع مقدس (خداوند) نماز را برترین عبادت‌ها دانسته، که متناسب با ظاهر بدن و باطن روح و جان انسان است (*ابن سینا*، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲). نماز در تربیت دینی چنان مهم است که حتی در پیش از بلوغ، تنبیه مختصر فرزند به دلیل ترک آن، روا دانسته شده است. *ابن سینا* در مورد آموزش نماز بین دوره کودکی و بلوغ فرق گذاشته است: در دوره کودکی تا قبل از ده سالگی فقط سفارش به آموزش و تعلیم نماز می‌نماید و تنها به اقدام زبانی و سفارش کلامی اکتفا می‌کند؛ در این مرحله بر آمادگی و زمینه‌سازی برای اقامه نماز تأکید شده است؛ اما در سنین بلوغ به علت رشد مناسب کودک و رسیدن به سن تمییز و تشخیص، تأکید عملی بر اقامه نماز است (غفاری، ۱۳۹۱، ص ۵۸).

۲-۳. آموزش واجبات و محرمات

احکام الزامی (واجبات و محرمات) عبارت از تکالیف و احکامی است که به دلیل اهمیت زیاد آنها در تربیت و هدایت انسان، الزامی بوده و انجام آنها ضرورت یافته است و انسان مسلمان مجاز به ترک یا سهل‌انگاری در آنها نیست. این تکالیف، هم جنبه فعلی دارند و هم جنبه ترکی. از دسته اول با عنوان «واجبات» و از دسته دوم با عنوان «محرمات» یاد شده است. اما احکام غیرالزامی، شامل تکالیف و احکامی است که در رتبه پایین‌تر از احکام الزامی قرار دارند و درجه اهمیت و نقش آنها در تربیت انسان، به درجه تکالیف الزامی نمی‌رسد. از این رو این تکالیف ویژگی الزامی بودن را ندارند. احکام غیرالزامی نیز همانند احکام الزامی جنبه فعلی و ترکی دارند؛ که از دسته اول به «مستحبات» و از دسته دوم به «مکروهات» یاد می‌شود. از نظر *ابن سینا*، یکی از اصول تربیتی مهمی که در این باره می‌توان از فقه استخراج نمود، اصل سخت‌گیری در احکام الزامی و آسان‌گیری در احکام غیرالزامی است. مفاد این اصل تربیتی آن است که فعالیت‌های تربیتی از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند؛ بلکه برخی برای موفقیت و پرورش مرتبی جنبه حیاتی و اساسی دارند و برخی از اهمیت کمتری برخوردارند (*ابن سینا*، ۱۹۹۸، ص ۳۸۷).

از منظر ابن‌سینا، در تکالیف شرعی دو نکته وجود دارد: یکی اینکه شارع مقدس (خداوند) می‌داند که بسیاری از نفوس، لایق و قابل برای رشد و وصول به مقامات منیع و درجات والای انسانی نیستند؛ ولی حتماً باید در طریق تربیت و دستورات و فرمان شارع قرار گیرند؛ زیرا نظام طبیعی و هواهای نفسانی آنان موجب می‌شود، که به طرف حیوانیت و بهیمیت حرکت کنند و عاقبت در حد بهایم بمانند. به همین دلیل خداوند آنان را رها نساخت، تا از ظواهر دستورات و عبادات بدنی متأثر شوند (ابن‌سینا، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰). تربیت و پرورش دینی همه‌جانبه انسان، از نیازهای اساسی اوست و انسان در پرتو تربیت صحیح به کمال مطلوب خویش دست می‌یابد. از سوی دیگر، شریعت و بعد عملی آن، یعنی فقه، جایگاه ویژه‌ای در زندگی انسان دارد و مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها زندگی او را احاطه کرده است. این دو عرصه با پیشرفت زندگی بشر و تحولات فرهنگی و اجتماعی، شکل جدیدی به خود گرفته و رسالتی نوین پیدا کرده است.

۳-۷-۳. آموزش دعا کردن

ابن‌سینا دعا را برای رسیدن آدمی به کمال واجب می‌داند. از نظر وی، همان‌گونه که سبب صحت یافتن شخص بیمار استفاده از دارویی خاص است و بدون آن سلامتی خود را باز نخواهد یافت، حکمت خداوند بر این تعلق گرفته است که سبب رسیدن به بعضی از کمالات نیز دعا کردن باشد. از این رو/ابن‌سینا دعا کردن را واجب می‌داند؛ چنان‌که توقع اجابت دعا نیز واجب است. البته این نکته منافاتی با قاعده علیت ندارد؛ زیرا خود دعا کردن هنگامی که شرایط مهیا باشد، می‌تواند جزئی از علت برای حصول متعلق دعا باشد. این اشکال نیز وارد نخواهد بود که آدمی معلول خداوند است و نمی‌تواند در علت خود تأثیری داشته باشد؛ به این دلیل که خود خداوند علت است بر اینکه آدمی به دعا بپردازد؛ و سبب به استجابت نرسیدن بعضی از دعاها، گرچه استجابت آن برای دعاکننده نافع خواهد بود، این است که گاهی غایتی که برای شخص نافع است، نسبت به نظام کل عالم نافع نخواهد بود. در این صورت، استجابت دعا صحیح نیست (شجاری، ۱۳۹۰، ص ۵۱).

۳-۸. عوامل تربیت دینی

منظور از عوامل، آن دسته مواردی است که در تربیت دینی تأثیرگذارند و تفاوتشان با زمینه‌های تربیت دینی در این است که زمینه‌ها به‌مثابه بستری هستند که زمینه را برای تربیت دینی فراهم می‌کنند.

۳-۸-۱. خانواده

ابن‌سینا درباره لزوم تربیت دینی معتقد است: «[تربیت دینی] برای جلوگیری از مخالفت با شرع، ثواب و عقاب اخروی، لازم و واجب است و باید به آن ثواب‌دهنده و عقاب‌دهنده شناخت پیدا کرد؛ و همچنین باید با نماز و روزه و عبادات دیگر، یاد خداوند را همیشه در خاطر نگه داشت» (ابن‌سینا، ۱۳۶۳، ص ۴۴۳).

نخستین بستر تقویت روحیه عبادی در وجود کودک، خانواده است. اگر کودک در خانواده‌ای رشد یابد که والدین به فرامین دین و اجرای احکام آن مقید باشند، امید بیشتری می‌رود که کودک نیز به امور فوق پایبند باشد. در این زمینه *ابن‌سینا* توصیه می‌کند که والدین ابتدا خود باید الگویی عملی در انجام آن اعمال باشند؛ و از طرفی رویه معتدل در آموزش واجبات و احکام آن به فرزندان در پیش بگیرند. یکی از شروط لازم برای تأثیر امر و نهی والدین در محیط خانه، برگرفته از اندیشه‌های *ابن‌سینا*، قابل فهم بودن آنها برای کودک است. به عبارتی، *ابن‌سینا* مسئله رعایت تفاوت‌های فردی را مطرح می‌کند؛ یعنی هر کس خصوصیات منحصر به فردی دارد که باید به آن توجه نمود؛ به‌ویژه در دوره کودکی، رعایت این تفاوت‌ها در تربیت دینی کودک نقش اساسی دارد. تفاوت در استعداد و میزان درک و فهم مطالب، از محورهای مهم تفاوت فردی است، که باید در محیط خانه به‌وسیله والدین رعایت گردد. پدر و مادر باید با توجه به آمادگی ذهنی و ادراکی کودک، اعمال عبادی را تعلیم دهند. اساساً شیوه تعلیمات انبیا نیز در تبلیغ دین به مردم این بوده است که با هر کس به‌قدر استعداد و سطح درک و فهمش سخن می‌گفتند (*ابن‌سینا*، ۱۳۱۹، ص ۸۲). برای تحقق و علاقه‌مند کردن کودکان به فراگیری و انجام تکالیف عبادی، ضروری است که اقدام‌های لازم و مقتضی را از همان دوران کودکی به‌عمل آورد. به این ترتیب، باید با برنامه‌ریزی دقیق سعی شود تا مطالب دینی و عبادی مورد نیاز و ضروری را به‌صورت ساده و قابل فهم به کودکان آموزش داد و آنان را به انجام اعمال و پایبندی به آن تشویق کرد. در انجام تکالیف نیز باید به این نکته توجه شود که والدین ابتدا با تکالیف عبادی آسان آغاز نمایند و از هرگونه افراط و تفریط در این زمینه بپرهیزند (*ابن‌سینا*، بی‌تا، ص ۸۹). برای موفقیت در امر تربیت دینی، ضروری است به نکات ذیل توجه شود:

- زمزمه حیات‌بخش اذان و اقامه در گوش چپ و راست نوزاد، به‌منزله نخستین نعمه معنوی در مسیر زندگی سعادت‌بخش؛

- ایجاد علاقه در کودک به ارتباط قلبی با خدا؛
- حضور کودکان در مسجد و خواندن نماز جماعت همراه والدین؛
- استفاده از شیوه‌های تشویقی و محبت در آموزش‌های تکالیف عبادی، بدون امر و نهی؛
- آشنا کردن دانش‌آموزان با عبادت‌های واجب و مستحب، به‌خصوص نمازهای یومیه و روزه؛
- آشنا کردن دانش‌آموزان با احکام و شرایط عبادات، مانند: مسائل مربوط به صحت و بطلان، ادا و قضا، و شرایط مربوط به هر عمل عبادی؛

- ارائه و آموزش تکالیف عبادی به کودکان به‌صورت ملموس و عینی و متناسب با توانایی آنان، با استفاده از روش‌های آموزشی ساده و بهره‌گیری از اشعار، داستان و متون آسان در برنامه‌های درسی، و ترتیب دادن نمایش‌های شاد و آموزنده عبادی در مراکز آموزشی؛

- ایجاد انس و گرایش قلبی در کودکان به انجام تکالیف عبادی از طریق توجه دادن آنان به نعمت‌ها و نیکی و بخشش خداوند به بندگان؛ و همچنین آموزش شیوهٔ شکرگزاری مورد نظر خداوند سبحان (آریا، ۱۳۹۴، ص ۳۹-۴۰). از طرفی *ابن‌سینا* برای اینکه کودکان را با عبادات و اعمال شرعی آشنا کند، معتقد است: «وقتی که شما پایهٔ صحبت و مجالست خودتان را در خانواده روی اساس دین و مروت گذاشته‌اید، آن‌گاه وظیفه و تکلیف شما این است که مقتضای دین و مروت را مراعات کرده، در رفتار و کردارتان بر طبق میزان دین و مروت رفتار بکنید و چیزی را که بر خلاف شرع دین و مروت باشد، مورد اعتنا قرار ندهید» (ابن‌سینا، ۱۳۱۹، ص ۲۴). در این تعریف، *ابن‌سینا* پیروی از مصاحبت دینی با فرزندان را راهی برای آموزش مفاهیم و اعمال دینی به کودکان و نوجوانان می‌داند.

در جایی دیگر، *ابن‌سینا* بیان می‌دارد:

کسانی که در خانه‌ای زندگانی نمی‌نمایند، خواه این خانه کاخ بلند و زیبا و ساکتین آن ثروتمند باشند و خواه کلبهٔ محقری بوده، صاحبانش بی‌بضاعت باشند، چون همگی انسان‌اند، زندگی وسیع و احتیاجات فراوانی از نواحی مختلفهٔ حیات علمی، دینی، اخلاقی، اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و غیره دارند. باید این منافع و مصالح زندگی‌شان تأمین گردد، تا صبح سعادت حقیقی و همیشه‌گی از افق خانه‌شان طلوع کرده، تاریکی روزگارشان را مبدل به روشنائی بنماید. سعادت حقیقی، همان رضای الهی است (ابن‌سینا، ۱۳۱۹، ص ۱۰۲).

از دیدگاه *ابن‌سینا*، باید در خانواده محیطی را فراهم نمود تا کودکان با دیدن رفتار و اعمال دینی والدین خود، سعی در تقلید این اعمال و همانندسازی با والدین خود نمایند.

۲-۸-۳. مدرسه

بعد از خانواده، مدرسه نقشی اساسی در یادگیری و آموزش اعمال عبادی واجب و مستحب و احکام آنها دارد. در مدرسه، این معلم است که نقش برجسته‌تری نسبت به سایر عوامل در تربیت کودک دارد. دانش‌آموز از طریق مشاهده و تقلید کردن، به درون معلم می‌رود و گفتار و رفتارش را الگو قرار می‌دهد. بنابراین یک معلم برای موفقیت در امر تربیت عبادی دانش‌آموزان باید تربیت را از خود شروع کند. ابتدا خودش از دین اسلام شناخت کافی داشته باشد و سپس به آن علاقه پیدا کند؛ آن‌گاه ایمان و روحیهٔ تسلیم را در خود قوی و اعتقاداتش را کامل کند. مسلم است که هرگاه شناخت با علاقه همراه شود، انگیزه برای دفع رذایل در دانش‌آموز فراهم می‌گردد و نسبت به انجام دستورات الهی مقید می‌شود (ابن‌سینا، ۱۴۰۰، ص ۱۸۹).

معلم باید ضمن اینکه تکالیف عبادی را به‌صورت ساده و به زبان کودکانه به دانش‌آموز انتقال می‌دهد، متناسب با ظرفیت وجودی آنها، فلسفهٔ انجام این تکالیف را نیز برای آنان بیان کند تا دانش‌آموزان بر اساس معرفت کسب‌شده، به اعمال عبادی، مشتاق باشند. هدف از تربیت عبادی، صرفاً حفظ اذکار و اعمال عبادی نیست؛ بلکه مراد، تربیت انسانی است که داری بینش الهی باشد (غفاری، ۱۳۹۱، ص ۵۵).

یکی از نیازهای اساسی کودکان، وابستگی به گروه دوستان است و از آنجاکه کودک از همسالان خود تقلید می‌کند و می‌کوشد خود را همانند آنها کند، بنابراین یکی از عوامل تأثیرگذار در تربیت دینی کودکان، عامل دوستان و همسالان است.

تأثیری که همشین و دوست بر کودک می‌گذارد، بسیار بیشتر از پند و اندرز والدین و معلمان است. کودکان در برابر گفته‌های دوستان، ناخودآگاه گفتار و رفتار آنها را برمی‌گیرند. والدین باید ضمن اینکه کودکان را از انتخاب همشین بد منع می‌کنند، آنها را در یافتن دوست و مصاحب صالح یاری کنند (ابن‌سینا، ۱۹۹۸، ص ۹۴). ابن‌سینا معتقد است که رعایت این مسئله، آثار سودمندی را از نظر اخلاقی به دنبال می‌آورد: «کودک از اخلاق و رفتار پسندیده همسالان خود پیروی می‌کند و به صفت‌ها و عادت‌های نیکوی آنان آراسته می‌گردد». ابن‌سینا در این مورد می‌نویسد: «ارتباط با همشین نیک، تهذیب اخلاق کودکان و برانگیختن همت آنها و تمرین عادت‌های نیک را به ارمغان می‌آورد» (ابن‌سینا، بی‌تا، ص ۲۸۵-۲۸۶).

۳-۹. موانع تربیت دینی

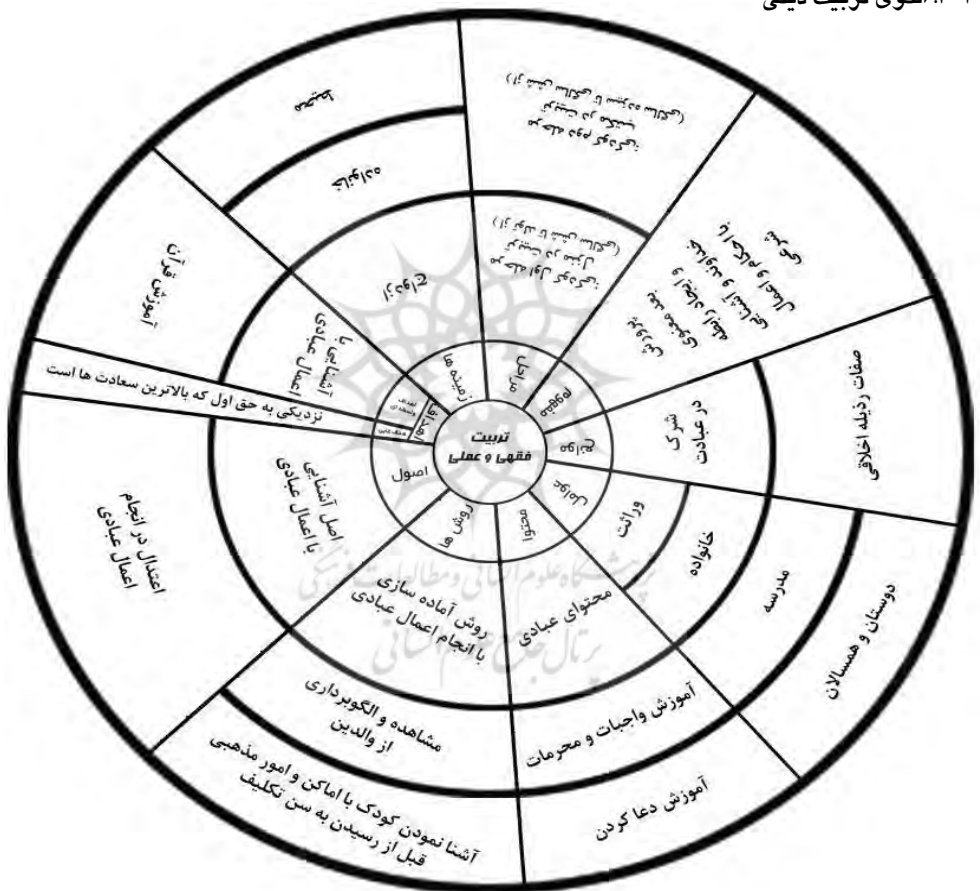
۳-۹-۱. شرک در عبادت

«شرک در لغت به معنای نصیب قرار دادن و درهم آمیخته شدن دو شریک است و در اصطلاح قرآنی، در مقابل "حنیف" به کار برده می‌شود؛ و مراد از "شرک"، شریک و مثل و مانند قرار دادن برای خداوند متعال است. "حنیف" به معنای تمایل پیدا کردن از گمراهی به درستی و راستی است و از آنجاکه پیروان توحید خالص، از شرک روی گردان شده و به این اصل اساسی متمایل می‌شوند، به آنها "حنیف" گفته می‌شود» (ابن‌سینا، ۱۳۸۳، ص ۱۶۵). «شرک معانی مختلفی دارد: اطاعت بی‌چون‌وچرا از غیرخدا یا پیروی از هوای نفس. وقتی انسان در قلب خود گرایش و تمایل به غیرخدا داشته باشد، نمی‌تواند رفتار و اعمال خود را بر اساس احکام خدا و اخلاق اسلامی و مطابق معیارهای دینی استوار نماید. پس یکی از موانع تربیت دینی در بعد عملی، شرک در عبادت می‌باشد» (نورانی‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۹۸).

از نظر ابن‌سینا، مقصود از تربیت دینی، برداشتن موانع و ایجاد زمینه‌هایی مناسب برای تکامل بشر و شکوفایی استعدادهای درونی انسان و رساندن وی به کمال است، تا چیزی شود که لایق آن است؛ ولی شرک مانع رسیدن انسان به کمال می‌شود. از موجودات این جهان، انسان بیشترین استعداد را برای رسیدن به کمال دارد. کمال انسان، بندگی خداست و از نظر روحی و معنوی، رسیدن به حدی است که جز او کسی را در عالم مؤثر نداند و سراپا خدایی شود؛ و این نهایت کمال انسان است. منظور از شرک، شرک در عبادت است، نه شرک در خالقی (همان، ص ۱۱۰).

روح عبادت، بندگی و عبودیت خدای متعال است. در صورتی که صفات منفی و رذایل اخلاقی در جان انسان رخنه کنند، به روح عبادت و اعمال عبادی او صدمه وارد می‌کنند؛ او را از مقام عبودیت تنزل می‌دهند و موجب فاصله گرفتن وی از قرب به خدا می‌شوند (ابن‌سینا، ۱۳۳۲، ص ۱۲۰). از جمله ضعف‌های اخلاقی که به تدریج انسان را از انجام اعمال عبادی و امور مذهبی بازمی‌دارند، می‌توان به این موارد اشاره نمود: حسد، ریا در عبادت، ادا نکردن حق الناس، ظلم، عدم اخلاص در عبادت و... (پورطولمی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۰).

۱۰-۳. الگوی تربیت دینی



نتیجه‌گیری

ابن‌سینا اندیشمند و فیلسوفی است که برای پژوهشگران مُنصفی که در پی حقایق اصیل و مبتنی بر واقعیت‌اند، آموزه‌های تربیتی بس ارزشمند دارد؛ چراکه محتوایش منتسب به انسان مسلمانی است که به‌مدد اتصال به معارف حقّه الهی، نزدیک‌ترین درک از انسان، ساخت‌های او و ظرفیت‌های صعود و سقوط او دارد. در این

پژوهش، تربیت دینی کودک در آموزه‌های تربیتی/ابن‌سینا بررسی شد تا بتوان الگویی شایسته و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی از تربیت دینی کودک ارائه نمود. بنا بر آنچه از بیانات بوعلی برآمد، وی درصدد بوده است که با بیان اهداف، ویژگی‌ها، اصول، زمینه‌ها، عوامل و موانع تربیت دینی، مبتنی بر تربیت اسلامی تصویری از نحوه صحیح و چگونگی تربیت دینی (بعد عملی) را به‌تصویر کشد و نقش کلیدی آن را در رشد دادن و تربیت انسان‌ها در مسیر عبودیت و بندگی مطرح سازد. از نظر وی، تربیت دینی کودکان اهمیت خاصی در نظام آموزشی و تربیتی اسلام دارد. وی بیان می‌دارد که بسیاری از افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادات سستی از خود نشان می‌دهند، بی‌اعتقاد به دین و تکالیف دینی نیستند؛ بلکه عواملی چون بی‌توجهی یا عدم تقید والدین به انجام بموقع تکالیف عبادی، عدم ورزیدگی کودکان در انجام عبادات در کودکی و ناآگاهی آنان از فلسفه و اهمیت عبادات، در این زمینه نقش داشته‌اند. از نظر/ابن‌سینا، برای رفع این مشکل ضروری است که کودکان پیش از رسیدن به سن تکلیف با اعمال و تکالیف عبادی، فلسفه و فواید اعمال عبادی، متناسب با دوره کودکی آشنا شوند. والدین و مربیان به‌عنوان مسئولان اصلی تربیت، باید زمینه فراگیری و انجام برخی از مسائل دینی را برای کودکان فراهم کنند. از سویی دیگر، وی به بیان این نکته می‌پردازد که باید در تربیت عبادی جانب اعتدال را نگه داشت تا انجام اعمال عبادی برای کودکان خسته‌کننده نباشد؛ و از سویی دیگر، مقدمه و زمینه‌ای باشد برای انجام آن اعمال در دوره جوانی و بزرگسالی.

منابع

- آریا، امیر، ۱۳۹۱، *معرفی آراء روان‌شناسی و تربیتی ابوعلی سینا با مختصر افکارش*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- ابن‌سینا، ابوعلی، ۱۳۱۵، *روان‌شناسی شفا*، ترجمه اکبر ابردانا سرشت، تهران، سروش.
- _____، ۱۳۳۲، *اشارات و تنبیهات*، ترجمه احسان یارشاطر، تهران، انجمن آثار ملی ایران.
- _____، ۱۳۴۷، *تدابیر المنازل والسیاسات الاصلیه*، ترجمه جعفر نقدی، بغداد، مجله المرشد.
- _____، ۱۳۶۰، *رسائل ابن‌سینا*، ترجمه ضیال‌الدین دری، تهران، کتابخانه مرکزی.
- _____، ۱۳۶۷، *اشارات و تنبیهات*، ترجمه حسن ملک‌شاهی، تهران، سروش.
- _____، ۱۳۷۷- الف، *النفس من کتاب شفا*، ترجمه حسن حسن‌زاده آملی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- _____، ۱۳۷۷- ب، *الهیات نجات*، ترجمه یحیی یثربی، تهران، فکر روز.
- _____، ۱۳۸۳، *الهیات دانشنامه علایی*، تهران، فکر روز.
- _____، ۱۳۹۱، *رساله الصلاة*، ترجمه حسن مملوحی، قم، بیدار.
- _____، ۱۹۱۳، *ابن‌سینا و تدبیر منزل*، ترجمه و نگارش محمد نجمی زنجانی، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- _____، ۱۹۹۸، *رساله فی البر والایثار، المذهب التبروی عند ابن‌سینا*، عبدالامیر شمس‌الدین، بیروت، الشركة العالمیه الکتاب.
- _____، ۱۴۰۰، *رسائل الشیخ بوعلی سینا، رساله فی السعاده*، قم، بیدار.
- _____، بی‌تا، *عیون الحکمه، مندرج در رسائل ابن‌سینا*، قم، بیدار.
- احمدی، احمد، ۱۳۸۴، *اصول و روش‌های تربیت در اسلام*، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- اعرافی، علیرضا، ۱۳۹۴، *آرای دانشمندان مسلمان به‌ویژه ابن‌سینا در تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، سمت.
- ایمان، محمدتقی؛ کلاته ساداتی، احمد، ۱۳۹۲، *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، قم، حوزه و دانشگاه.
- پورطولمی، منیرالسادات؛ احمدی، فهیمه، ۱۳۸۸، «آسیب‌شناسی عبادات از نظر قرآن و حدیث»، *فدک*، ش ۱، ص ۱۱-۳۷.
- دانا رضانی، سمیه، ۱۳۹۱، *بررسی تطبیقی آموزه‌های تربیتی دانشمندان مسلمان؛ ابن‌سینا، خواجه نصیر‌الدین طوسی و ابن‌خلدون*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- داودی، محمد، ۱۳۸۳، *سیره تربیتی پیامبر اسلام ﷺ*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۳، *سیری در تربیت اسلامی*، تهران، دریا.
- زیبا کلام مفرد، فاطمه، ۱۳۸۰، *تعلیم و تربیت در فلسفه ابن‌سینا و مقایسه آن با فلسفه اثبات‌گرایی و عمل‌گرایی*، دانشگاه تهران، روان‌شناسی علوم تربیتی.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۷۸، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، اصول و مبانی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- شجاری، مرتضی، ۱۳۹۰، «سعادت و رابطه آن با معرفت و عبادت از دیدگاه ابن‌سینا»، *پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز*، ش ۸، عزیزای اراکی، عباس، ۱۳۷۹، *جامع آیات و احادیث موضوعی نماز*، قم، نبوغ.
- غفاری، حسین، ۱۳۹۱، «جایگاه فلسفه دین در سنت فلسفه اسلامی به روایت ابن‌سینا»، *پژوهش‌نامه فلسفه دین*، سال دهم، ش ۲.
- نورانی‌نژاد، حمید، ۱۳۹۳، *فن تدابیر المنازل به روایت ابن‌سینا*، چ هشتم، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ابن‌سینا.
- نوروزی، رضاعلی؛ بختیار نصرآبادی، حسنعلی؛ شاهی، محمد، ۱۳۹۰، *تبیین تربیت اخلاقی از منظر ابن‌سینا*، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.